

آتش مسکو سرد می‌شود

سرویس روسیه/آران نیوز
نویسنده: دکتر پرویز امامزاده فرد / روزنامه هم میهناران نیوز/سرویس یادداشت/ روسیه: موضع‌گیری‌های نسبتاً تند مقامات روسی در مقابل آمریکا طی ماه‌های اخیر توجه محافل مختلف بین‌المللی را به خود جلب کرده و سبب گمانه‌زنی‌های متعددی درباره آینده مناسبات این دو ابرقدرت دوران جنگ سرد شده است. برخی حتی پا را فراتر نهاده به تکوین «جنگ سرد» دیگری میان مسکو و واشنگتن در آینده نزدیک اشاره کرده‌اند. در این مقاله‌ها ابتدا انگیزه‌ها و عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه‌ساز موضع‌گیری‌های تند مسکو در برابر واشنگتن در ماه‌های اخیر بررسی می‌شود و سپس آینده این موضع‌گیری‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

عوامل داخلی زمینه‌ساز

عوامل داخلی متعدد و از جمله برنامه انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه در سال آینده می‌تواند فرآیند و آینده این موضع‌گیری‌ها را توضیح دهد: در انتخابات ریاست‌جمهوری در پیش‌رو، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری کنونی، می‌خواهد خود را مجدداً کاندیدا کند. این در حالی است که اقبال پوتین در میان رای‌دهندگان روسی چندان بالا نیست. گروه‌های هوادار غرب در روسیه که به طور معمول باید حمایت‌کننده عمده وی باشند، خطمشی‌های بعضاً محدودکننده حقوق بشر و سایر آزادی‌ها در روسیه را که توسط رئیس‌جمهوری این کشور در سال‌های اخیر دنبال شده را غیرقابل تحمل می‌بینند. از سوی دیگر گروه‌های ناسیونالیستی و چپ‌گرایان هم از سیاست‌های هوادار غرب پوتین دل‌پروردی دارند. دولت آقای پوتین با توجه به ملاحظات بالا، باید بتواند سیاستی را دنبال کند که گروه اول را ساکت و گروه‌های دوم را از خود خرسند سازد تا بدین ترتیب موقعیت خویش را تحکیم بخشد. موضع‌گیری تند پوتین و مقامات دولت او در برابر آمریکا مصداق عینی سیاست فوق است. زمانی که آمریکا قصد دارد در لهستان و جمهوری چک سیستم‌های ضد موشکی مستقر کند، کرملین فرصت را غنیمت می‌شمارد و نسبت به این اقدام آمریکا شدیدترین عکس‌العمل‌ها را نشان می‌دهد و حتی برخی از چهره‌ها در روسیه از ذکر این موضوع خودداری نکرده‌اند که ممکن است چنان سامانه‌های ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک مورد حمله روسیه قرار گیرد و ویران شود. با موضع‌گیری تند در مقابل آمریکا، کرملین بحران یا مساله ناشی از کم‌قابلیت آقای پوتین در میان رای‌دهندگان روسی را «خارجی» می‌کند. اگر این تبیین از موضع‌گیری‌های تند مسکو در مقابل واشنگتن در ماه‌های اخیر درست باشد پس باید در ماه‌های آینده شاهد تندتر شدن مواضع روسیه در قبال آمریکا، به‌خصوص در قبال غرب به طور کلی باشیم.

موضع‌گیری کرملین از منظر منطقه‌ای

گرچه مسکو در سال 1991 به فروپاشی و تجزیه شوروی به 15 کشور مستقل تن داد، اما این به مفهوم آن نبود که حساسیت ژئوپلیتیک منطقه پیرامونی فدراسیون روسیه را هم از دست داده است. در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی در محیط پیرامونی فدراسیون روسیه دو اتفاق مهم رخ داده که موقعیت ژئوپلیتیک این کشور را تحلیل برده است: ابتدا استقلال جوامع مسلمان و غیرمسلمان بالکان و دیگری بروز انقلاب‌های موسوم به «مخملی» یا نارنجی یا رنگ‌های دیگر در سرزمین‌هایی که تا چندی قبل جز «سرخ» رنگ دیگری را نمی‌شناختند.

مسکو هر دو تحول را با نگرانی دنبال کرده است و اکنون هم که صحبت از استقرار موشک‌های ضد موشک در خاک لهستان و جمهوری چک شده تزلزل و سقوط دومینووار مهره‌های موقعیت خود را در اروپای شرقی بیشتر احساس می‌کند. حال قضیه استقرار موشک‌های ضد موشک آمریکا در خاک هر دو کشور پیش آمده و اگر وضع به همین گونه پیش رود احتمالاً رومانی، مجارستان و بلغارستان هم جزو کشورهایی خواهند شد که موشک‌های ضد موشک در آنها مستقر شوند که گرچه ظاهراً برای مقابله با موشک‌های خیالی جمهوری اسلامی شلیک شده به این کشورهاست و ربطی به روسیه ندارد، اما در واقع، باید جای این دو کشور را در جمله بالا تغییر داد. در صورت تحقق یافتن هدف دولت بوش برای استقرار سامانه‌های دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک و با توجه به نگرانی جدی و حساسیت کرملین از وضعیت ژئوپلیتیک خود چندان دور از ذهن نیست که سامانه‌های مزبور مورد حمله قرار گیرند و آن وقت وضع کاملاً جدیدی در مناسبات مسکو و واشنگتن پدید آید، با آثار و تبعات گسترده در اوراسیا. علاوه بر اروپای شرقی، تفاوت در مواضع روس‌ها با آمریکایی‌ها در اموری چون مسائل ایران، بلاروس، گرجستان و اوکراین بسیار است. همچنین تعارض عظیم ژئوپلیتیک میان دو کشور در قفقاز و آسیای مرکزی تازه شروع شده است.

موضع‌گیری کرملین از منظر بین‌المللی

همچنین روسیه و آمریکا بر سر مسائل خاورمیانه اختلافات زیادی دارند و به عنوان مثال، روسیه علاقه‌مند به فروش موشک‌های زمین به هوای استرلت (streets/SA-18) به سوریه است، در حالی که آمریکا نسبت به چنین معامله‌ای اعتراض دارد. روسیه همچنین در عرصه بین‌المللی دستاوردهای عمده داشته است. اخیراً روسیه در سازمان کنفرانس اسلامی موقعیت ناظر را پیدا کرده که نشانگر گسترش مناسبات این کشور با کشورهای اسلامی است. در زمینه اقتصادی هم مسکو طی پنج سال گذشته مازاد بودجه داشته و ذخایر ارزی خارجی این کشور به میزان بالای 180 میلیارد دلار رسیده است. تحولات و دستاوردهای بالا هم نقش قابل‌توجهی در موضع‌گیری‌های نسبتاً تند مسکو در مقابل واشنگتن داشته‌اند.

تصور آینده

تعدادی از مفسران و تحلیل‌گران بین‌المللی تصور می‌کنند که در گذشته دو جنگ سرد میان آمریکا و شوروی سابق به وقوع پیوسته و موعد سومین جنگ هم‌اکنون فرارسیده است یا در شرف تکوین است. با این وضع زمان و مکان برای وقوع جنگ سرد دیگری به هیچ‌وجه مساعد نیست. از نظر زمانی، سال‌های قرن بیست‌ویکم با سال‌های پس از جنگ دوم یا سال‌های پس از جنگ ویتنام و واترگیت تفاوت زیاد دارد. در سال‌های پس از جنگ دوم، غرب نیاز به مماشات با شوروی را داشت تا بتواند مماشات گذشته خود با فاشیسم در دهه 1930 را جبران کند. از این طریق، شوروی صاحب نفوذ و اقتدار فوق‌العاده‌ای شد. در سال‌های دهه 1970 هم تنش‌زدایی و اعتمادسازی با شوروی برای رهایی آمریکا از باتلاق ویتنام ضرورت داشت، ضمن اینکه دولت نیکسون برای کم‌رنگ کردن اثر فعالیت‌های غیرقانونی خود در «افتضاح واترگیت» نیاز به همراهی مسکو با خود داشت. به عبارت دیگر، عوامل زمینه‌ساز هر دو جنگ سرد گذشته ریشه در مماشات غرب، به ویژه آمریکا، با شوروی داشتند که اسباب افزایش اقتدار و نفوذ این کشور و در نتیجه توانایی رویارویی با آمریکا را فراهم کردند. اما در سال‌های دهه اول قرن بیست‌ویکم نیاز به چنین مماشاتی وجود ندارد. ایدئولوژی از ملاحظات سیاست خارجی دولت‌ها رخت بر بسته و مناسبات قدرت‌ها با یکدیگر در قالب‌های «صلح دموکراتیک» یا «صلح لیبرال» قرار گرفته است. تبدیل شدن «رقابت مجموع صفر» آمریکا و اروپا با مسکو در دوران جنگ سرد به همکاری با این کشور در سال‌های بعد از جنگ سرد اگرچه زمینه‌ساز افزایش نفوذ و قدرت این کشور در عرصه بین‌المللی شده اما این افزایش تا زمانی مطرح است که جهت‌گیری ضد غربی نداشته باشد. از لحاظ اقتصادی هم، دیگر بازگشت جهان به دوران جنگ سرد امکان‌پذیر نیست. علاوه بر موارد فوق، در دسرهای مسکو در داخل و اروپا و جاهای دیگر بیش از آن هستند که این کشور را به جنگ سرد سومی با آمریکا سوق دهند. آتش زیر خاکستر در چین، آرامش قبل از توفان در حوزه خزر، مارهای در آستین پرورش‌یافته در اروپای شرقی و مرکزی و خط‌مشی‌های مبتنی بر خواب و خیال در خاورمیانه همه‌همه وقوع جنگ سرد دیگر میان مسکو و واشنگتن را برای آینده قابل پیش‌بینی غیرمحمتمی‌سازند. شاید با توجه به ملاحظات بالا بود که میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق رهبران کرملین را از دنبال کردن خط‌مشی‌های تند در قبال آمریکا و اروپا برحذر داشته است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه هم در اجلاس گروه هشت در حالی که از يك سوی، سعی داشت خشم خود را از مواضع آمریکاییان پنهان نکند، اما از سوی دیگر با آنان از در مسالمت‌جویی وارد شده و پیشنهاد داده سامانه‌های موشکی آمریکا به جای لهستان و جمهوری چک در جمهوری آذربایجان مستقر شوند. البته، بعید است که این پیشنهاد پوتین به طور کامل مورد پذیرش آمریکا قرار گیرد زیرا استقرار سامانه ضد موشکی آمریکا در آذربایجان به گسترش مناسبات واشنگتن-باکو، بیش از آنچه امروز هست، کمک نمی‌کند حتی ممکن است پیامدهای منفی هم برای این مناسبات داشته باشد. از سوی دیگر انصراف آمریکا از استقرار سامانه‌های مزبور در لهستان و جمهوری چک فرصت‌هایی را که واشنگتن در سال‌های پس از جنگ سرد در اروپای شرقی دنبال می‌کرده می‌سوزاند. با توجه به استمرار اختلاف فوق و اختلافات دیگر میان مسکو و واشنگتن، به نظر می‌رسد تنش در مناسبات این دو ابرقدرت دوران جنگ سرد در آینده ادامه یابد هرچند به صورت جنگ سرد تازه تحول نخواهد یافت.

تنها انعقاد موافقت‌نامه‌های کلان میان آمریکا و روسیه می‌تواند به تنش فوق خاتمه دهد، نظیر موافقت‌نامه‌های کلان در 1962 و 1970 میان دو کشور که زمینه‌های تنش‌زدایی میان آن دو را فراهم آورد. انتهای پیام.